

خبر

ضد نقیض‌های سکنه مغزی حمید بقایی

● **شرق:** حمید بقاییی سکنه مغزی کرده و نزدیکانش می‌گویند در زندان این مسئله رخ داده و رئیس سازمان زندان‌ها می‌گوید او هشت روز است به مرخصی رفته و هرآنچه رخ داده در زمان مرخصی بوده است. صبح دیروز عبدالرضا داوری، در حساب کاربری خود در توئیت از سکنه مغزی مشاور اجرایی محمود احمدی‌نژاد در دولت یازدهم خبر داد و مدعی شد که بقایی در زندان اوین سکنه کرده است. البته خبرگزاری تسنیم در گفت‌وگو با رئیس سازمان زندان‌ها وقوع هرگونه عارضه یا سکنه در زندان را تکذیب کرد.

بقایی از ۸ روز پیش در اوین نیست

اصغر جهانگیر در گفت‌وگو با تسنیم درباره انتشار خبری در فضای مجازی مبنی‌بر سکنه مغزی حمید بقایی اظهار کرد: طبق بررسی‌های صورت‌گرفته، نام‌برده از روز شنبه هفته گذشته در مرخصی هشت‌روزه به سر می‌برد و شنبه مرخصی وی تمام شده است. رئیس سازمان زندان‌ها افزود: بقایی باید خود را (یکشنبه) ۳۰ تیر به زندان معرفی کند و اگر هم در خارج از زندان برای وی اتفاقی افتاده باشد ما اطلاعی نداریم. جهانگیر اضافه کرد: اگر نام‌برده در موعد مقرر خود را به زندان معرفی نکند، علت را بیکری می‌کنیم.

سکنه قبل از مرخصی رخ داده است

بعد از انتشار این خبر بود که داوری، برای اثبات ادعای خود که سکنه قبل از مرخصی رخ داده، خطاب به جهانگیر توئیت کرد که حمید بقایی «۸/۴/۵ در زندان اوین دچار سکنه مغزی شده، اما مراجع ذی‌ربط بیش از دو هفته در انتقال ایشان به بیمارستان تعلل می‌کنند. امروز پزشک‌های قانونی رسماً سکنه مغزی آقای بقایی را تأیید کرد». بهمن شریف‌زاده، از روحانیان نزدیک به اسفندیار رحیم‌مشایی، مشاور احمدی‌نژاد، نیز گفته است که بقایی به دلیل رؤیت یک لخته خون در سرش به بیمارستان منتقل شده است. مهران عبدالنهور، وکیل‌مدافع بقایی، درباره سکنه مغزی بقاییی در زندان این‌گونه گفت: «با یکپری‌هایی که، مشخص شد تقریباً ۲۰ روز قبل در زندان دچار این عارضه شده بودند. وکیل‌مدافع بقایی گفت: تا تصویب شود که ایشان به مرخصی بیایند ۱۵ روز طول کشید. هفته پیش مرخصی دادند و بیکری کردیم و دیدیم که ایشان سکنه کرده‌اند. عبدالنهور در پاسخ به این سوال که الان وضعیت آقای بقایی چگونه است؟ گفت: الان مشغول درمان هستند و باید معالجه شوند. او در پاسخ به این سؤال که مدت معالجه بقایی چقدر زمان می‌برد و آیا بعد از معالجه باید به زندان برگردد؟ گفت: الان که ایشان وضعیت پزشکی‌شان این‌گونه است باید ببینیم معالجه‌شان چه می‌شود، چراکه فقط باید سکنه مغزی نیست، بلکه به‌خاطر عوارض دیگری هم این لخته خون ایجاد شده است. بنا بر نظر پزشکان، به‌خاطر کمبود مواد ضروری بدن، از جمله ویتامین و پروتئین چنین اتفاقی افتاده است.

چرا بعد از مرخصی متوجه سکنه شده‌اند؟

البته هیچ‌یک از نزدیکان بقایی توضیح ندادند که اگر سکنه مغزی رخ داده، دارای عوارض خطرناکی بوده و حال جسمانی بقایی را با چالش جدی مواجه کرده بود. چگونه هفت روز بعد از مرخصی متوجه آن شده‌اند و چگونه انتظار دارند بیماری که خود با تأخیر هفت‌روزه متوجه مشکلش شده‌اند در صورت صحت ادعای آنها، سازمان زندان‌ها متوجه بشود و او را به بیمارستان اعزام دهد. بقاییی که یار گرمابه و گلستان احمدی‌نژاد در دوران ریاست جمهوری‌اش هم و دهم بود، اکنون در حال گذران دوران مجازات خود در زندان است. او با اتهام مالی به زندان و جریمه نقدی محکوم شده و از ۲۲ اسفند ۱۳۹۶ در زندان به‌سر می‌برد. حمید بقایی، معاون اجرایی دولت احمدی‌نژاد، به چندین اتهام از جمله اختلاس، تصرف غیرقانونی در اموال دولتی و تبانی در انجام معاملات دولتی به ۱۵ سال حبس و ۴۳ میلیارد تومان جزای نقدی محکوم و به زندان معرفی شده است، هرچند به‌کرات در مرخصی و خارج از زندان بوده است. همچنین حمید بقایی ۱۱ شهریور ۹۷ سال نیز به اتهام توئیت در شبکه ۱۰۵۹ دادگاه کیفری دو پس از رسیدگی به جرائم کارکنان دولت محاکمه شد که وی از رسیدگی در این پرونده نیز به شش ماه دیگر حبس تعزیری محکوم شد.

داستان کل کشور:

● **ایشنا:** دادستان کل کشور در نامه‌ای به مقامات قضائی نیجریه، خواستار حمایت از حقوق علامه شیخ زکراکی شد. در متن نامه حجت‌الاسلام منتظری آمده است: اخبار واصله از وخامت و وضعیت سلامت ابوالشهدا، «بهر جنبش اسلامی نیجریه «علامه آیت‌الله شیخ ابراهیم زکراکی» موجب تأسف و تأثر و جریحه‌دار شدن دل‌های حامیان مردم مظلوم نیجریه گردیده است. اینجانب ضمن محکوم‌کردن اقدامات سردمدران این جنایت و نظامیان مستکمر و دولت نیجریه و اعلام شکایت به مجامع قضائی بین‌المللی و مدعیان حقوق بشر، به عنوان دادستان کل کشور جمهوری اسلامی ایران از مقامات قضائی کشور نیجریه صرا می‌خواهم در جهت استقلال قضائی و حمایت از شهروند گرفتار در بند خود، زمینه آزادی و انتقال وی را به‌منظور درمان به جمهوری اسلامی ایران فراهم سازند.

politics@sharghdaily.ir

● **با توجه به تجربه‌تان در دستگاه دیپلماسی، در مقطع کنونی، بزرگ‌ترین مشکل یا مشکلات سیاست خارجی‌مان چیست؟**

اینکه دیپلماسی ما در ایجاد یک رابطه دقیق بین منافع ملی و مصالح عمومی باید به تعادل برسد، موضوعی جدید و خاص ۴۰ سال نیست. گذشته ایران مملو از هشدار و مصادق‌های تاریخی است که لزوم برقراری یک رابطه درست بین دو مفهوم منافع ملی و مصالح عامه توسط حاکمیت‌های وقت را نشان می‌دهند. برای مثال، در دوران قبل از اسلام، دوره صفویه و قاجار نمونه‌های متعددی از این موضوع را می‌بینیم. ● **به نظر می‌رسد هرچه فاصله حاکمیت از مردم بیشتر باشد، این مشکلات هم حادتر می‌شود.**

این‌گونه فکر نمی‌کنم. مسئله مهم این است که بی‌پذیریم ایران کشوری است که جغرافیای تأثیرگذار محیطی‌اش، فرامرزی است و مرزهای ژئوپلیتیک ایران با مرزهای جغرافیایی‌اش، الزام‌مخوانی و سازگاری ندارند. ملتی هستیم که تأثیر تمدنی، زبانی، مذهبی و فرهنگی‌مان در هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای سیاسی به ما قدرت بازی و تأثیرگذاری داده که در ژئوپلیتیک ما خلاصه شده است. از همین رو، سیاست خارجی باید این دو مفهوم را در یک ترازو قرار دهد یا به جمع جبری میان ژئوپلیتیک و الزامات حاکمیتی، بتواند این تعادل را برقرار کند. در آن صورت می‌توان گفت سیاست خارجی روان، تأثیرگذار و تا حدی موفق است. اینکه می‌گویم تا حدی موفق به این جهت است که همان ژئوپلیتیک فرامزی مسائل بسیار زیادی را هم برای ما به وجود آورده است. به כתاب لرد کرزن به نام «ایران و مسائل ایران» استناد می‌کنم. وی در قرن نوزدهم درک می‌کند که بین مفسران ایران و مردم ایران تفاوتی وجود دارد و سیاست نایب‌السلطنه دولت بریتانیا در ایجاد تعادل بین این دو مفهوم معنا می‌گیرد. ما هم باید این درک را داشته باشیم. اگر به این نقطه برسیم موانع اساسی سیاست خارجی ما که دست و پایش را بسته، برداشته خواهند شد. عامل دیگر این است که شناخت خویش را به دلیل ایستایی اشکال و مرزبندی‌های سیاسی ایجادشده بعد از جنگ جهانی اول از دست داده‌ایم. قبل از جنگ جهانی اول اقلیمی بود که به عراق شناخته می‌شد. بخش فارسی‌گوی آن عراقی عجم بود و بخش عربی‌گوی آن عراقی عرب، اما این اقلیم یک هویت داشت. آن وقت تناسبی بین اجزای این اقلیم برقرار بود. در شرق، ما بخشی از هویت شبه‌قاره‌ای بودیم. فرهنگ ما و هند با همدیگر تنیده شده و ارتباط داشت. در شمال شرق ایرانی‌ها تا تورانی‌ها، با همه تنش‌ها و درگیری‌هایی که در اسطوره‌هایمان وجود دارد، رابطه خویشاوندی عمیق داشتند. نه ما غریبه بودیم و نه آنها. توران‌زمین بخشی از هویت فرهنگی ما بود و تمام اسطوره‌ها و داستان‌های مشترک ما در این جغرافیا اتفاق می‌افتاد.

یکی از اقتضات جنگ جهانی اول و تغییراتی که در نظام بین‌الملل به وجود آورد، این بود که ما را وادار به تثبیت مرزهایمان کرد. به همان میزان که نقشه مرزهایمان را روی زمین مشخص کردیم، دیواری بین خودمان و بخش‌هایی که جزئی از هویت ما بودند، کشیدیم. در شرایط دبایی بعد از جنگ جهانی اول و دوم هم متوجه همان الگوی اسرارآمیز موفقیت و پیشرفت و توسعه اروپایی شدیم. موضوعی که از زمان قاجار و عباس میرزا به آن توجه کرده بودیم و دوباره به سمت احیای آن در فرمی مدرن‌تر رفتیم. به همان میزان که این حرکت را انجام می‌دادیم، مردم از این منطقه دورتر می‌شدیم و دیوارها قطورت می‌شد. انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به دلیل پیامش که حاوی جنبه ارزشی برای دنیای اسلام و رویکرد مردمی بود، تا حدی برخی لایه‌های این دیوار را برداشت. مرزها وجود داشت اما به‌لحاظ ذهنی کمرنگ شده بود. چند صدام واقعیته بود که می‌خواست دوباره این دیوار را برقرار کند و سدی را که برداشته شده بود، در فرم تازه‌ای برپا کند. با این همه، پس از پایان جنگ ما را به هم‌فرهنگی نزدیک کرده است. البته فقط یک دهه از این اتفاق می‌گذرد و پس از چند دهه و شاید یک قرن این اتفاق، تأثیرات عمیقی در گسترش فرهنگ و زبان و تعامل و پذیرش واقعیت خواهد گذاشت.

● **این ارتباطات در بخش تمدنی، حوزه گسترده‌تری داشت یا فقط با کشورهای همسایه بود؟**

دورتر از همسایه نیز نمونه‌های بارزی داریم. مثلاً وقتی از بمن صحبت می‌کنیم، ارتباطمان به قبل از اسلام و دوره ساسانیان برمی‌گردد و می‌توانیم تأثیر این دوره را در یمن ببینیم. اینها سلول‌های کوچک نیستند بلکه لک‌ها به پاره‌های هویتی فرهنگی پراکنده‌ای هستند که در جاهای مختلف در اتصال با ما معنا پیدا می‌کنند. در دوران پهلوی اول ارتباط ما با اینها قطع شده بود و به تصویر از ایران رسیده بودیم که متأسفانه گاهی اوقات عامیانه جلوه می‌کرد- که خرد، عقل، نصف جهان و هنر را فقط خاص خودمان می‌دانستیم. این یکی از عوارض بسیار بد و مفاسد فقدان تعامل و ارتباط فرهنگی و شناخت با دنیا بود. این نوع ادبیات بر نخیشان جامعه نیز اثرگذار بود تا بدان حد که آنها از رؤیایی به نام ایران یا مرزهایی ناتمام صحبت می‌کردند. انقلاب از دیواره این جدار کاست و توانستیم ارتباط برقرار کنیم. از اینجا به بعد این مشکل وجود داشت که میزان شناخت و دانایی ما از جغرافیای آن طرف دیوار به دلیل یک‌صد سال عدم ارتباط سرشار از بیگانگی بود. ما متأسفانه درک نمی‌کردیم، در این صد سال جدایی، آن مناطق

دیپلماسی

بازگشت به حلقه تمدنی ایران باستان به روایت سیدعلی موجانی

از پرشیا تا شهرزاد قصه‌گو



تکمیل

صندوق‌های فرمان

زینب اسماعیلی : تعامل تمدنی ایران کهن و جهان را می‌توان به گونه‌ای متفاوت از منظر همیشگی تاریخی دید؛ از منظر دیپلماسی. سیدعلی موجانی‌قمی تحصیل‌کرده رشته تاریخ است اما در حوزه دیپلماسی کار می‌کند. همین موجب شده تا او با سال‌ها مطالعه روی تمدن تاریخی ایران و کار در حوزه دیپلماسی عمومی و فرهنگی، گزینه مناسبی برای این روایت تاریخی دیپلماتیک باشد. اکنون دبیر اول بخش دیپلماسی عمومی سفارت ایران در ورشو لهستان است، پیش از این دبیر اول فرهنگی دپارتمان فرهنگی سفارت ایران در برلین آلمان و مسئول کتابخانه مرکز مطالعات بین‌المللی و سیاسی وزارت خارجه بوده است. سابقه‌کار در فضای اروپا، آفریقا و کشورهای دیگر از ایران می‌گوید: از آنچه در جهان معاصر به‌عنوان رابطه کنونی‌اش پرسیدیم. او از روایت کشورهای دیگر از ایران می‌گوید: از آنچه در جهان معاصر به‌عنوان پرشیا شناخته می‌شود که بدون هیچ پیوستی به جمهوری اسلامی ایران رسیده است. سیدعلی موجانی می‌گوید تصویری که عرب‌ها از ایران دارند همان تصویر شهرزاد هزارویک شب است. او معتقد است برای برون‌رفت از آنچه اکنون در آن گرفتار آمده‌ایم باید به همان حلقه‌های تمدنی پیشینیان برگردیم. این گفت‌وگو در نگاهمان به همسایگان و حوزه تمدنی ایران می‌تواند مفید باشد.

و جعلی است. البته بخشی هم برساخته نیست و به دلیل آن است که ما مثل پدر خانواده که در تربیت فرزند، تحکم بی‌نوازش را همراه می‌کند، می‌خواهیم بیرون از خانه هم همین روش را برای فرزند همسایه به‌کار گیریم. فرزندان ما با تحکم و نوازش خو گرفته‌اند، اما همسایگان بدان دل نبسته‌اند. متأسفانه در نوع فعالیت و عملکرد کاری ما، این نکته بی‌تأثیر نبوده است. مثلاً با انسان‌های زیادی مواجه می‌شویم که علاقه‌مند به اسلام و تشیع هستند مثل علوی‌ها که باورهایشان به ما نزدیک است اما مناسک‌شان با ما متفاوت بود. سؤال اینجااست که چقدر باید با آنها تعامل کرد؟ اگر صرفاً بخواهیم بر اساس مناسک ما عمل کنند، کمتر می‌پذیرند. اما وقتی همدلی ایجاد شود درمی‌یابیم که آنها با این باور در کلیات با ما همراه هستند؛ دروا مانده‌اند اما کم نشده‌اند؛ بنابراین نباید آنها را کمره تصور کرد. اینجا باید برای رسیدن آنها به کاروان کمی تأمل و تحمل نشان داد. از این جهت معتقدم که بخشی از ترس ما به عدم قدرت تحمل ما در تعامل با پیوست‌های خودمان است. ما آمریکا را نمی‌توانیم تحمل کنیم چون قدرتی است که می‌خواهد از موضع سلطه با دنیا صحبت کند و ما سلطان‌پذیر هستیم اما دلیلی ندارد به مردم یا کشوری که کمی با ما تفاوت دارند ولی بسیاری از اعتقاداتشان به ما نزدیک است هم نزدیک نشویم و اجازه دهیم دیگران ترس از ما در دل آنها افزایش دهند.

● **به نظر می‌رسد این بحث در حوزه دیپلماسی عمومی و رابرتی فرهنگی قرار می‌گیرد که شما در این حوزه فعالیت کرده‌اید، نگاه مردم‌کشورهایی که در آنها مأموریت داشتید به مردم ایران چطور است و این تصویر چقدر با تصویر القایی رسانه‌هایشان همخوان است؟**

سه منطقه جغرافیایی را می‌توانم مثال بزنم. یکی اروپاست که من در آلمان و فرانسه مأمور بودم. دیگری قلب صحرای آفریقا است که مدتی مجبور بودم در تومبوکتو درون صحرای آفریقا با سیاهان آفریقا زندگی کنم. منطقه دیگر کشورهای عربی شامل عراق، مصر، سوریه و یمن بودند. واقعاً چیزی که در ارتباط با مردم اروپا (به صورت عام که می‌توان و بهرمان سیاسی را هم شامل آنها دانست) با مردم این بود که هنوز تصویر جذاب‌شان از ایران، «پرشیا» است، هنوز ایران را نپذیرفته‌اند. به همین دلیل، ایران برخاسته تبلیغات رسانه‌ها را نمی‌تواند با پرشیا یعنی تمدنی و زبانی‌شان را متعلق به ایران می‌داند و فارابی، شعر فارسی تمدنی که کاملاً دیواری دارد، در جایی تمام شده و استمراری ندارد و حالا چیزی به نام جمهوری اسلامی ایران به جای آن آمده است.

● **و حالا رسانه‌هایشان می‌گویند جمهوری اسلامی دنبال بمب و سلاح هسته‌ای است...**
و حقوق بشر را نقض می‌کند. به همین دلیل وقتی می‌گویند من دیپلمات ایران هستم، حتی شخصیتی که ادبیات جهانی را می‌شناسد و برایش اسطوره‌ها و حافظ و سعدی معنا دارد، نمی‌تواند بپذیرد و ارتباط برقرار کند. تصور می‌کند آنها متعلق به پرشیا بوده و ایران ارتباطی ندارد. ما هم نتوانسته‌ایم نشان دهیم که در استمرار میراث کهن خودمان هستیم. هفت هزار سال کنجینه‌های ایران باستان را در اروپا و آمریکا و ژاین نمایش دادیم و افراد زیادی هم دیدند ولی می‌گفتند اینها متعلق به تمدن پرشیا است. انگار ما فقط انباردار این کنجینه‌ها هستیم. مورد دیگر اینکه بویایی فرهنگی، ادبی و زبانی ما در جایی منقطع شده

و مانعی ایجاد کرده و آنها پشت مانع مانده‌اند. مثالی می‌زنم: با آقای صادق خرازی (سفیر وقت ایران در فرانسه) به دیدن آقای سارکوزی رفتم که آن زمان وزیر کشور بود. ابراز خوشحالی کرد از اینکه «شما عرب‌های تحصیل‌کرده‌ای هستید»، یعنی حتی که مقام سیاسی برجسته که بعداً رئیس‌جمهور می‌شود ایران امروزی را ادامه پرشیا نمی‌داند و ایران را استمرار دنیای عرب می‌داند.

● **بخشی از این مسئله هم به دلیل پیچیدگی منطقه است. وقتی به نقشه نگاه می‌کنیم گویی یک لکه فارسی وجود دارد که از همه همسایگانش جدا مانده است.**

بله، اما چه کسی باید مسئولیت حل مسئله را برعهده می‌گرفت؟ دولت‌ها و بازوان فرهنگی کشور. در تمام ۴۰ سال گذشته باید به جهان نشان می‌دادیم همان پرشیای گمشده آنها هستیم (دقت کنید که این موضوع را قبل از انقلاب هم نگفتم) اما برای مرزبندی خودمان در شرایط پس از جنگ اول از این تابلوی زیبای «ایران» استفاده می‌کنیم. به همین دلیل وقتی شما به مردم عادی می‌گویید اگر هر کتاب ادبیات مرزبند طریقه عامه نمی‌تواند معانی عمیق گونه را بدون اشراق بر ادبیات خود درک کند. به همین دلیل شگفت‌زده می‌شوند که چطور جمهوری اسلامی ایران می‌تواند استمرار آن فرهنگ باشد؟

● **در آفریقا چطور؟**

در قلب صحرای آفریقا و بین سیاهانی که با فرهنگ خودشان، آفریقای سیاه را نمایندگی می‌کنند، ایران معنای متفاوتی داشت. معنای ایران برای آنها به «قدرت» برمی‌گشت، این هم ناشی از آن بود که تحت ظلم بودند و هرچه از ما در خبرها شنیده بودند این بود که می‌دیدند آنها‌یی که برای آنها ظالم هستند از دست ایران فریاد می‌زنند. به همین دلیل آنجا عموماً ما قهرمان جلوه می‌کردیم.

● **شاید هم به خاطر سال‌های دولت نهم و دهم بود که دولت ایران داشت به آفریقا کمک مالی می‌کرد.**

نه اصلاً به این دلیل نبود. علتش شناخت نبود. علتش این بود که هر روز به رادیو فرانسه گوش می‌کردند و مدام از کمک‌های ایران می‌شنیدند و چون فرانسه برای آنها هژمون استعماری بود وقتی می‌دیدند از دست ایران فریاد می‌زند، ایران را قهرمان می‌دانستند. یکی از دیپلمات‌های ارشد برای من تعریف کرد که وقتی رابطه ما با بورکینافاسو برقرار شد، وقتی وزیر دفاعش به ایران آمد تصادفاً مصادف با روز ارتش بود و آن مقام نظامی بورکینافاسو در رژه روز ۲۹ فروردین هم شرکت کرده بود و به من که در کنارش بودم، گفت شما با ارتشی که دارید، می‌توانید دنیا را فتح کنید. آن‌قدر فشار روی آنها بوده که هر کسی که بخواهد مستقل باشد و بگوید فشار را نمی‌پذیرم، برایشان قهرمان است. پس ما ظرفیت «Hero» بودن هم در دنیای معاصرمان داریم. همین الان هم وزیر خارجه می‌گوید شرف‌مان را نمی‌فروشیم.

● **خب، تصویر ما در دنیای عربی حتما متفاوت از اینهاست. تجربه شما از آنجا چگونه است؟**

در محیط عربی، عجیب‌ترین تصویر در ذهن مردمی که با آنها گفت‌وگو می‌کنید، مشاهده می‌شود. آنها ایران را بلاد فارس و پرشیا نمی‌دانند. ایران را ایران می‌شناسند چون با آن همسایه و در ارتباط بودند و برایشان همه ویژگی‌های ایران خارق‌العاده است. آورده‌های تمدنی و زبانی‌شان را متعلق به ایران می‌دانند و فارابی، شعر فارسی و بوعلی سینا در رک می‌کنند حتی می‌دانند ادیان بزرگ عرب جاذب و سیبویه از کجا آمده‌اند. برایشان ایران جایی دست‌نیافتنی و کشف‌نشده و پررزم و راز است. مثال روشنی می‌زنم. اگر از من بپرسید یک عرب چه تصویری از ایران دارد، می‌گویم همان دنیای هزارویک‌شب با هارون‌الرشید و داستان‌های شهرزاد است. شهرزاد هزارویک‌شب با داستان‌هایش هارون‌الرشید را که قدرت بلاطراز یک پادشاه بود، میخ‌کوب کرده بود. امروز هم این‌طور است. ملک‌عبدالله و مبارک در مصر هم همین نگاه را داشتند.

● **محمد بن سلمان هم؟**

بله. با تفاوت‌های بیشتر. اینکه کسی عمیق‌تر و با دانش و خرد و تجربه بیشتر در رابطه با این موضوع قرار گیرد یا با خامی و عدم شناخت و تجربه مانند بن‌سلمان مواجه شود، رفتار و بیانش تفاوت دارد، اما در اصل شناخت همان جنس است. الان احساسی که در دوره پهلوی اول در ایران اتفاق افتاد، برای بن‌سلمان رخ داده است؛ اینکه من می‌توانم یک عربستان نوین با قدرت برتر بسازم. همان‌طور که رضاشاه فکر می‌کرد می‌تواند ایران نوین بسازد و نساخت. ساخت ارتش رضاشاه با یک‌راغی نبود. امیر لشکر غرب و شرق تلکس می‌زدند مرز در امن و امان است. سوم شهریور ۱۳۲۰ شاه در خواب بود، سفرای روس و انگلیس گفتند کشور اشغال است. برایش باورکردنی نبود. محمد بن‌سلمان هم این تصور را دارد. اقدامات قابل ملاحظه‌ای می‌خواهد در عربستان انجام دهد و سرمدگذاری زیادی جلب می‌کند و تحرکاتی نشان می‌دهد و خودش را در صحنه سیاست داخلی نسبت به اسلاف متفاوت و متمایز نشان می‌دهد اما واقعیت چیز دیگری است و ما این تجربه را در ایران دوران رضاشاهی دیدیم و نتیجه را هم دیدیم، عربستان هم به این نتیجه خواهد رسید.

ادامه در صفحه ۱۵

یادداشت

مبانی حقوقی توقیف نفت‌کش انگلیسی

امیر بی‌پروا، دکترای حقوق بین‌الملل عمومی

● در روز جمعه ۱۹ جولای یک نفت‌کش متعلق به انگلستان در تنگه هرمز به‌دلیل رعایت‌نکردن مقررات دریانوردی بین‌المللی توقیف شد، علت توقیف کشتی در رسانه‌ها رعایت‌نکردن مقررات تردد دریایی در تنگه هرمز و آلودگی محیط زیستی اعلام شده است. صرف نظر از واکنش‌های سیاسی موجود این قضیه مبانی حقوقی دارد که این مبانی موجبات اعمال نظارت، تنظیم مقررات و کنترل بر کشتی‌رانی را از سوی دولت ایران در تنگه هرمز فراهم می‌کند. دولت ساحلی در تنگه‌های بین‌المللی یک‌سری حقوق و تکالیف دارد، ضمن اینکه دولت ایران در زمینه تضمین عبور ترانزیت در تنگه هرمز تکلیف دارد، در ارتباط با جلوگیری از آلودگی دریایی، حفظ محیط زیست، کنترل ترافیک دریایی، تنظیم عبورومرور، اجرای قوانین و مقررات گمرکی و ایمنی دریانوردی حقوق، تکالیف و صلاحیت قانون‌گذاری دارد و کشتی‌های عبوری نیز مکلف به رعایت‌کردن مقررات کشور ساحلی در این زمینه‌ها هستند.

به موجب مواد ۴۱ و ۴۲ کنوانسیون حقوق دریاه‌ا، ایران در تنگه هرمز در زمینه ایمنی دریانوردی، کنترل آلودگی دریایی و تنظیم مقررات عبور صلاحیت دارد و می‌تواند برای مقاصد ذکرشده صلاحیت خود را اعمال‌کند. در قضیه اخیر این کشتی حسب گزارش سازمان بنادر و دریانوردی در مسیر خلاف و با خاموش‌کردن ریدباب تردد می‌کرده و بنا بر آنچه اعلام شده است از طریق واردکردن پسماند نفتی مخازن خود آلودگی محیط زیستی ایجاد می‌کرده است که موارد اشاره‌شده در مغایرت کامل با مفاد کنوانسیون قرار دارند و موجبات اعمال کنترل و نظارت از سوی دولت ایران را فراهم می‌کند. کشتی‌های عبوری از تنگه هرمز نمی‌توانند درباره ترافیک دریایی، مسائل محیط زیستی و ایمنی دریانوردی به عبور بی‌ضرر استناد کنند. عبور بی‌ضرر مطلق و بی‌قید و شرط نیست و قیودی دارد. حفاظت از محیط زیست دریایی و محیط دریانوردی برای دولت ایران، مبانی حقوقی اعمال صلاحیت بر کشتی‌های خارجی عبوری از تنگه هرمز و کنترل آنها را در چارچوب مقررات حقوق بین‌الملل عرفی و کنوانسیون‌های حقوق دریاه‌ا فراهم می‌کند.

روزنه

در گفت‌وگو با «ان‌پی‌آر»

ظریف: تعامل با غرب اعتبارش را از دست داده است

● **وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران گفت مردم ایران به‌دلیل بدعهدی آمریکا و اروپا، اعتباری برای «تعامل» با جامعه جهانی قائل نیستند. به گزارش ایرنا محمدجواد ظریف در گفت‌وگو با رادیو ملی آمریکا (ان‌پی‌آر) عنوان کرد: «ایران در ازای لغو دائم تحریم‌های آمریکا، متعهد به بازرسی‌های هسته‌ای دائم خواهد شد».**

او درباره وضعیت کنونی اقتصاد ایران به‌دنبال تحریم‌ها خاطرنشان کرد: «اکنون اقتصاد ما در مقایسه با سال گذشته آسیب کمتری می‌بیند؛ زیرا آمریکا همان تحریم‌ها را ادامه می‌دهد که ما با آنها عادت داشتیم‌ایم و نیز آشنا بوده‌ایم. واحد پول ما در حال رسیدن به ثبات است و نرخ رشد و بی‌کاری نیز رو به بهبود است. مطمئناً می‌توانیم بدون درآمد نفتی کارهای خود را انجام دهیم و این هدف ما است و آمریکا را به ادامه تسریع دستیابی به این هدف است.» وزیر امور خارجه ایران ادامه داد: «در حال تلاش برای فشار آوردن به هیچ‌کس نیستیم، چون صرفاً کار خود را می‌کنیم. آشکار است کشوری که هزارو ۵۰۰ مایل خط ساحلی در خلیج فارس دارد، برای امنیت منطقه مهم و مؤثر است. ما قوی‌ترین کشور این منطقه هستیم و بدون ما شما امنیت را در این منطقه نخواهید داشت.» ایسنا می‌نویسد، وزیر امور خارجه ایران در ادامه درباره تعامل با جامعه جهانی و تأثیر آن در ترسیم اعتبار او در داخل کشور گفت: تعامل اِبا غرب(اعتبارش را داخل [ایران] از دست داده است. مردم دیگر به تعامل با جامعه جهانی توجهی ندارند، با آمریکا به این دلیل که به تعهداتش عمل نکرد و با اروپایی‌ها برای اینکه به حرفشان عمل نکردند، بنابراین تعامل اعتبارش را از دست داده و به تبع آن، من نیز در حال ازدست‌دادن اعتبارم هستم.

ایران وارد جنگ شود، گفت: «رئیس‌جمهور ترامپ گفت ۵ دقیقه ممکن بود جنگی در ماه ژوئن» رخ دهد. آمریکا ممکن است که بتواند جنگی را شروع کند اما نمی‌تواند آن را به پایان ببرد. کسی که آغازگر جنگ است تمام‌کننده آن نخواهد بود. این واقعیت تاریخ است. جنگ‌ها برای طرف‌های مشارکت‌کننده در آن و برای متأسفان آن نیز مخرب‌ابان. ما این معنا نیستیم که ما از جنگ خواهیم گریخت.» ظریف یکشنبه ۲۳ تیر برای شرکت در نشست شورای اقتصادی-اجتماعی سازمان ملل متحد وارد نیویورک شده بود. او روز جمعه پس از سفر شش‌روزه، نیویورک را برای شرکت در اجلاس جنبش عدم تعهد در ونزولتا ترک کرد. نیکاراگوئه و بولیوی مقصد بعدی این دوره از سفرهای ظریف خواهد بود.